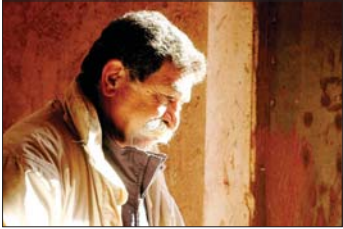


زیر آسمان فیر وزمای

مستند جدید فرهاد ورهرام

● **گروه هنر:** فرهاد ورهرام، مستندساز پیش‌کسوت سینمای ایران، جدیدترین اثر مستند خود را با موضوع سگ‌های تازی کلید زده است. این فیلم با عنوان «مرگ در وطن» در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه می‌شود و در صورت تأیید هیئت انتخاب، برای اولین‌بار در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما– حقیقت روی پرده می‌رود. فرهاد ورهرام درباره مستند تازه خود توضیح داد: «یکی از دوستانی که سال‌ها درباره پرورش سگ تازاری کار می‌کرد، خانمی آلمانی را به من معرفی کرد که همسرش سال‌های‌سال در زمینه فرهنگ تازاری کار کرده و انجمنی هم با این موضوع راه انداخته بود». او گفت: «پس از بررسی زندگی این خانم متوجه شدم که وی در روزگار جوانی کارمند سفارت آلمان در ایران بوده و اتفاقی با آقای تامپاشیان آشنا می‌شود و پس از ازدواج با او در ایران می‌ماند». این مستندساز درباره زندگی لئون تامپاشیان تمپ گفت: «پس از حادثه ۱۹ اکتبر و جنگ‌های داخلی روسیه، دو نفر به ایران مهاجرت می‌کنند؛ یکی مارکوف که معمار معروفی می‌شود و



دیگری تامپاشیان که مدتی در ایران می‌ماند و بعد به آلمان می‌رود. هم‌زمان با ظهور نازی‌ها در آلمان، تامپاشیان دوباره به ایران بازمی‌گردد. پس از چندسال قصد سفر به نیوزیلند می‌کند و برای دریافت ویزا به عراق می‌رود. آنجا مدتی از سگ‌های تازی یکی از شیوخ عرب نگهداری می‌کند. هنگام کودتای عراق به ایران بازمی‌گردد و شروع به جاده‌سازی می‌کند. او پس از افزایش سرمایه و ازدواج با مارکرت هوتمان، به مراقبت از سگ‌های تازی ادامه می‌دهد. اکنون که آقای تامپاشیان سال‌هاست فوت کرده، همسرش به تربیت تازای ادامه می‌دهد». ورهرام درباره نام مستند تازداش اظهار کرد: «این خانم خانه‌ای کوچک در ایران دارد و این روزها بیشتر در آلمان به‌سر می‌برد، چون می‌خواهد او را در کشور خودش دفن کنند. به همین دلیل اسم فیلم را «مرگ در وطن» گذاشتم. او درباره مراحل تولید این مستند توضیح داد: فیلم‌برداری «مرگ در وطن» در کردان، کرج و قزوین انجام شده است؛ همین‌طور در کردستان که یکی از مهم‌ترین مناطق در پرورش سگ تازی است. با افراد مهمی در این زمینه مصاحبه‌هایی داشتیم. قسمت پایانی فیلم‌برداری هم قرار بود در خاش انجام شود که متأسفانه به دلیل تصادفی که رخ داد، به تعویق افتاد و در حال هماهنگی هستیم این بخش را که اصلی‌ترین سکانس فیلم است، در نقطه دیگری از بلوچستان انجام دهم». این مستندساز با تأکید بر اینکه تمامی اسناد مربوط به تازی را از موزه‌های مختلف جمع‌آوری کرده است، تصریح کرد: «فیلم «مرگ در وطن» تاریخچه‌ای از آدم‌هایی است که در حوزه تازی کار کرده‌اند. این حیوان برای اولین‌بار فلات ایران پرورش داده شده است و بهترین تازی‌های دنیا، تازی‌های ایرانی هستند».

«چرنوبیل» در ۱۹ شاخه نامزد شد

● آخرین فصل از سریال «بازی تاج و تخت» محصول کمپانی «HBO» با کسب نامزدی در ۳۲ شاخه از هفتادوکمپمین دوره از جوایز تلویزیونی امی، رکورد نامزدهای کسب‌شده از طریق یک سریال تلویزیونی در یک سال را به نام خود ثبت کرد. «بازی تاج و تخت» علاوه بر نامزدی در شاخه بهترین سریال درام که پیش از آن چهار بار برنده آن شده است، در شاخه‌های بازیگری نیز برای نقش‌آفرینی «کیث هارینگتون»، «امیلیا کلارک»، «پیتر دینکلج»، «نیکلای کاستر والدو»، «آلفی آلن»، «لئا هیدی»، میزی ویلیامز»، «سوفی ترنر»، جودیلین کریستی» و «گاریسا ون هون» نامزد کسب جایزه شد. پس از سریال «بازی تاج و تخت» که با نامزدی در ۳۲ شاخه پیشتاز نامزدهای این جوایز است، سریال «خانم میزل شکفت‌انگیز» محصول آمازون با ۲۰ نامزدی و سریال معروف «چرنوبیل» دیگر محصول «HBO» با ۱۹ نامزدی، بیشترین تعداد نامزدی را به خود اختصاص دادند. محصولات شبکه «HBO» در جوایز امسی ۲۰۱۹ در مجموع در ۱۳۷ شاخه نامزد کسب جایزه شدند تا این کمپانی به رکورد قبلی خود در سال ۲۰۱۵ با ۱۲۶ نامزدی بهبود بخشد. محصولات کمپانی تفلیکس نیز در جوایز امی امسال در ۱۱۷ شاخه شانس کسب جایزه دارند و محصولات «NBC» و آمازون نیز به‌ترتیب در ۵۷ و ۴۷ شاخه نامزد شده‌اند. در شاخه بهترین سریال درام «بهتره به سول زنگ بزنی»، «بادیگارد»، «کشتن ایو»، «اوزارک»، «پوز»، «جانشینی» و «این ما هستیم» در کنار «بازی تاج و تخت» برای کسب جایزه رقابت می‌کنند و در شاخه بهترین سریال کمدی نیز «باری»، «وپ»، «جای خوب» و «عروسک روسی» در کنار «خانم میزل شکفت‌انگیز» مهم‌ترین نامزدها هستند. سریال «چرنوبیل» نیز در شاخه بهترین مینی‌سریال‌ها باید برای کسب جایزه با «فرار از دانمور»، «چیزهای تیز»، «چرا آنها ما را می‌بینند» و «فاس/ وودون» رقابت کند.مراسم معرفی برندگان و اعطای جوایز هفتادوکمپمین دوره جوایز امی موسوم به اسکار تلویزیونی روز ۲۴ سپتامبر (۳۱ شهریور) برگزار می‌شود.

به نظر می‌رسد که روز ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ برای سینما و تئاتر ایران روز ویژه‌ای باشد. در روزی که عبدالامیر رشیدی‌حائری، (دیپلمات و سفیر ایران در چند کشور) شادمان از شنیدن صدای گریه‌های فرزندش داوود، که تازه با به این دنیا نهاده بود، در پوست خود نمی‌گنجید. این ندای حضور و ظهور یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان و بازیگران سینما و تئاتر ما بود که در تاریخ طنین‌انداز می‌شد. داوود رشیدی که سال‌ها بعد خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های بازیگری به جامعه هنری ایران معرفی کرد، در میان آن پنج ضلعی معروف (داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی و علی نصیریان) که از فضای سختگیرانه تئاتر و همنشینی با ادبیات به سینما راه پیدا کرده بودند، مسیری متفاوت‌تر را برای ورود به دنیای بازیگری پیموده بود. او این بخت را داشت که با اتکا به شغل و جایگاه دیپلماتیک پدرش، مدتی را در ترکیه و فرانسه بگذراند و از کنسرواتوار ژنو در رشته بازیگری و کارگردانی فارغ‌التحصیل شود. تسلط او به زبان فرانسه و علاقه بی‌حدوحصرش نسبت به مطالعه کتاب و متون نمایشی، از او هنرمندی ساخته بود که این توانایی را داشت که در میانه دهه ۴۰ و بازگشتش به ایران، اجراهایی از متن دشوار و متفاوت سوسن تسلیمی، پرویز فنی‌زاده و پرویز صیاد بنا نهد.

نقش کمکی که ستاره سینما شد

شاید همین نگاه متفاوت و مبتنی بر ادبیات داوود رشیدی بود که جلال مقدم را متقاعد کرد برای بازی در فیلم «فرار از تله» که تحت تأثیر فیلم‌های جنایی سینمای فرانسه تولید می‌شد، او را مقابل ستاره‌ای چون بهروز وثوقی قرار دهد که محبوبیت بازی‌اش در قیصر او را به وزنه‌ای تأثیرگذار در سینمای ایران بدل کرده بود. در سینمای ستاره‌ساز آن روزها که مسیر بسیاری از

سعید باباوند: سیما شاهرمدی سال ۶۹ دیپلم گرافیک را از هنرستان معتمد اصفهان دریافت کرد و وارد رشته نقاشی در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه اصفهان شد. پس از پایان دوره کارشناسی ارشد نقاشی در دانشگاه هنر تهران، کار هنری را رها کرد و در یک بازه ۱۰ساله فقط یک نمایشگاه انفرادی در گالری برگ برگزار کرد. سال ۸۷ پس از تصویرگلی به هنر بازگشت که ارمغان این کار جایزه دولتیسلانه بلگردا بود. از همین سال، نقاشی را از سرگرفت و از آن روز تاکنون پنج نمایشگاه انفرادی برگزار کرده و در نمایشگاه‌های متعدد گروهی حضور داشته است. کلاً کاغذ بخش مهمی از تکنیک کار شاهرمدی را در این دوره تشکیل می‌دهد. «نارنج‌ها می‌رسند» چهارمین نمایشگاه انفرادی سیما شاهرمدی در گالری هو باد که از ۳۱ خرداد تا ۱۱تیرماه ۹۸ برگزار شد. این نمایشگاه شامل ۱۷ اثر طراحی روی بوم بود. «نارنج‌ها می‌رسند» ۲۱تیرماه در گالری تام اصفهان روی دیوار رفت.

۴ من همواره در کار شما ارجاع به تاریخ هنر را می‌بینم. این ارجاعات چگونه در کار شما حاضر می‌شوند؟

برای من کارکردن و کنارهم‌گذاشتن فضاهایی که به‌ظاهر متضادند، همواره جذاب بوده است. غیر از ارجاعات تاریخ هنری از دوره‌های متفاوت، «دوگان‌ها» به اشکال مختلف در کارهایم حضور دارند. مانند طبیعت بی‌جان و جاندار، زن و مرد، تاریخ و اسطوره و… . وجهی به‌شمار تعاملات دیالکتیکی این دوگان‌ها –که هم‌زمان متضاد و مکمل‌اند- همواره برای من دستمایه‌هایی برای رسیدن به بیانی از زیرساخت‌های واقعیت و زندگی در قالب اثر هنری بوده‌اند. همچنین گرایش‌های متفاوت و گاه متضاد ذهنی و شخصی‌ام را نیز در همین راستا تعریف و البته بدون خودسانسوری، آنها را بیرونی می‌کنم.

۴ چیزی که در این مجموعه بسیار به چشم می‌آید شفافیت عناصر است؛ برای زمینه‌سازی از کاغذ پوستی استفاده کرده‌اید، تمام اشیاء هم شفاف‌اند و مانند منطقی که در نگارگری ایرانی است در لحظه، همه‌چیز را می‌شود از ورای هم دید.

به گمانم طراحی ماهیتا باید این‌طور باشد. بیننده باید بتواند ببیند که خالق اثر از چه مسیری رفته و به اینجا رسیده است. کارهای این نمایشگاه همه بدون اتود و فی‌البداهه خلق شده‌اند و اگر گاهی خطی گذاشته‌ام و بعدا خواسته‌ام آن را پاک کنم اصراری نداشتم که اثر آن خط کاملاً از بین برود. بدین شکل مخاطب مسیر حرکت ذهن و دست من را می‌بیند و می‌تواند در جریان مکث‌ها و تردیدهای من قرار بگیرد و بعد در جایی این حرکت با تمام فراز و نشیبش متوقف شده است، اما این توقف به معنای رسیدن به کمال یا نقطه قطعی پایان نیست، درست مثل زندگی که یک روز متوقف می‌شود، اما این لحظه توقف نه به معنای رسیدن به حد مطلوب است و نه به معنای پایانی قطعی. به نظر طراحی با چنین تعریفی به ذات زندگی بسیار نزدیک است. این نگاه، مسئله اصلی من بود، هر چند که می‌شود تاویل‌های دیگری

هنر



یادداشتی به مناسبت زادروز استاد «داوود رشیدی»

هنرمندی کاریزماتیک

کمال پورکاوه

در ذهن و حافظه تماشاگر به یادگار بماند. برای تماشاگرانی که فیلم «کندو» ساخته فریدون کله را بارها و بارها دیده‌اند، شخصیت «آقاحسینی» با بازی شگفت‌آور داوود رشیدی، چیزی کم از نقش‌آفرینی بهروز وثوقی در قالب کاراکتر ایی ندارد. محبوبیت کاراکتر آقا حسینی به‌عنوان یک نقش مکمل در سینمای ایران به حدی بود که بسیاری از مردم کوچه و بازار در دهه ۵۰، داوود رشیدی را همچون یک ستاره سینما با نام «آقا حسینی» صدا می‌زدند.

داوود رشیدی در مصاحبه‌ای که سال‌ها پیش با

ایسنا انجام داد، خاطره‌ای جالب را از اولین مواجهه خودش با بهروز وثوقی به میان می‌آورد که به شنیدن دوباره‌اش می‌ارزد: «به من می‌گفتند مواظب بهروز باش. او سوپراستار است و نقش تو را می‌خورد و سر تودین می‌رود و نقشش را کم و زیاد می‌کند. وقتی این حرف‌ها را می‌شنیدم، برایم عجیب بود. اما خیلی با هم دوست شدیم و بسیار من را کمک کرد. اصلاً این‌گونه که می‌گفتند نبود و بسیار رفیق و همراه بود. در اولین روز تفاوت زیاد سینما با تئاتر تو ذوقم زد و تصمیم گرفتم ادامه دهم اما همان شب صحبت‌های بهروز تأثیر مثبتی در ذهنم گذاشت».

علی حاتمی و تلویزیون

رابطه استاد و شاگردی داوود رشیدی و علی حاتمی که در دهه ۴۰ و از دانشگاه هنرهای دراماتیک آغاز شده بود، با اجرای یکی از نمایش‌نامه‌های شاگرد (علی حاتمی) با عنوان «حسن کچل» توسط استاد، به سرعت رو به چنان دوستی پردوامی گرایید که وقتی رشیدی در سال ۱۳۵۲ مدیر گروه نمایش و سریال تلویزیون شد، از علی حاتمی دعوت کرد تا دو سریال «داستان‌های مولوی» و «سلطان صاحبقران» را برای تلویزیون بسازد. این همکاری تا جایی ادامه پیدا کرد که بعد از انقلاب، این علی حاتمی بود که نقش‌هایی به‌یادماندنی را در فیلم «کمال‌الملک» و سریال «هزارستان» به این رفیق دیرین سپرد تا این بار مردم کوچه و بازار در دهه ۶۰ داوود رشیدی را با نام «مفتش شش انگشتی» به یاد آورند.

برای ما مردمی که در این سال‌ها با انبوهی از نقش‌آفرینی‌های داوود رشیدی خاطره‌های کرده‌ایم، یادآوری زادروز این مرد همیشه خندان و امیدوار که بنا بر گفته همسرش همواره عاشق گرفتن جشن تولد بوده است، حس نابی از نامیاریی مردی را می‌دهد که بیست‌وپنجم تیرماه را به یمن تولدش ویژه کرده است. یقیناً در این روز سینما و تئاتر ما شادمان‌تر از روزهای دیگر است: «تولدتان مبارک، آقا حسینی».

۴ چندین سال است جریانی در نقاشی ایرانی وجود دارد که به هنر قاجار ارجاع می‌دهد و اغلب کارهای خوش‌فروشی هستند و گاهی به ابتدال هم رفته‌اند. شما چرا سراغ قاجار رفتید؟

من اصولا نقاش فرم‌گرایی هستم. اغلب کارهایی که اشاره می‌کنید، ارجاعاتی سیاسی دارند. اما من دنبال چنین ارجاعاتی نبودم. در وهله اول فرم این نقاشی‌ها من را جذب کرده بود و اگر بعضی آثار جنبه‌ای مفهومی به خود گرفته‌اند، این مفاهیم از فرم برآمده‌اند و بنابراین جهان‌شمول‌ترند. اساس کار من بر «فرم» است.

۴ گوید در منزلتان اشیای قدیمی زیادی دارید و این همه حضور اشیای قدیمی در نقاشی شما نتیجه هم‌زیستی با آنهاست.

در خانه خود بله اشیای قدیمی دارم اما ظروف تزئینی روکوکویی میراث خانه مادری است. نسل ما با این اشیاء بزرگ شدند. آن روزها در همه خانه‌ها این ظروف به‌مثابه عناصر و اشیای تزئینی در دکور اتاق پذیرایی به نمایش گذاشته می‌شد. بعد از درگذشت مادرم، آن ظروف برایم معنای دیگری یافتند. انگار این اشیاء در نبود صاحب اصلی‌شان، بار حضور و خاطره او را به دوش گرفته بودند. برای مثال طرح مرغابی‌هایی که در چندین طراحی تکرار شده‌اند، از یک سینی سرامیکی که یادگار مادرم است برداشته‌ام. برای من دیگر که طرح ساده تزئینی نبود و سعی کرده‌ام این تغییر نگاه را به تمهیداتی برای مخاطب هم ایجاد کنم و آن را از یک طرح کلیشه‌ای تخت فرائز بیرم. ترکیب این اشیای بازمانده از درگذشتگان و وسایل امروزی خودم و تفاوتی که میان آنها هست هم یکی از آن دوگان‌هایی بود که پیش‌تر به آن اشاره کردم.

۴ برسشم بیشتر درباره امر روزمره بود. بیان امر روزمره با وسایل خانه برای من یک بیان زنانه و اشکلی می‌دهد.

امر روزمره برای من با امر متعالی به هم آمیخته است. این به آن معنا نیست که امر روزمره همان امر متعالی است، بلکه به این معناست که امر متعالی در همه چیز حضور دارد؛ حتی در ساده‌ترین و پیش‌پاافتادترین وسایل آشپزخانه که یک زن هر روز با آن سروکار دارد.

وقتی نقاشی شما این‌قدر شی‌محور است، طبیعی است که هاله‌های معنایی دور اشیاء تشکیل شوند.

این مسئله را می‌توان در عنصر نارنج و چاقو که در بسیاری از کارها دیده می‌شد، به شکلی دید. آنها به شکلی روزمره و طبیعی در هر آشپزخانه‌ای پیدا می‌شوند اما از سویی هم می‌توانند اشاره‌ای به داستان نارنج و چاقو در یوسف و زلیخا داشته باشند و بار معنایی خاصی به خود بگیرند و روایتگر عشقی زنانه باشند. این مجموعه طراحی برای من از یک سو به دغدغه‌های زیباشناختی مربوط می‌شد و از سوی دیگر، نگاهی بود به گذشته‌ام و تمام آنچه در آنجا برای همیشه جا ماند. شاید به این دلیل است که کارهایم به جایی میان «خیال» و «واقعیت» اشاره می‌کنند؛ مکانی که همیشه دوست داشته‌ام در آنجا پرسه بزنم.

بخش بزرگی از خاطرات کودکی ما و بخش زیادی از بخاراتی که سینمای ایران و به طور کلی هنر نمایش به‌دست آورده، مروجون همین عروسک‌هایی است که در حافظه تاریخی یک ملت ثبت شده. با توجه به اینکه تلویزیون به مثابه یک رسانه، خاستگاه اصلی تولید و نمایش انیمیشن و تولیدات عروسکی است، برگزاری این جشنواره از سوی صداوسیما منطقی به نظر می‌رسد؛ به شرط اینکه محصول آن پویایی بیشتر در تولید و نمایش از آثار و حمایت و پشتیبانی کافی از هنرمندانی باشد که در این حوزه فعالیت می‌کنند.

آنچه می‌تواند برای این جشنواره آسیب‌زا باشد، تبدیل‌شدن آن به یک دوره‌هی سالانه سازمانی و در واقع نمایشی‌شدن آن است. متولیان این جشنواره باید مراقب این آسیب‌جدی باشند و با سیاست‌گذاری‌های درست از جشنواره را به امکانی خلاق و انرژیش برای پویایی بیشتر صنعت پویانمایی تبدیل کنند.

زیر درختان زیتون

همکاری حاتمی‌کیا با «اوج»

● **گروه هنر:** ابراهیم حاتمی‌کیا فیلم جدید خود را با عنوان «خروج» جلوی دوربین خواهد برد. فیلم سینمایی «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد با اتمام نگارش فیلم‌نامه وارد مرحله پیش‌تولید شد. این فیلم سینمایی بعد از «بادیگارد» و «به وقت شام»، سومین همکاری سازمان هنری رسانه‌ای اوج با ابراهیم حاتمی‌کیا خواهد بود.



درحال حاضر حاتمی‌کیا نگارش فیلم‌نامه این فیلم سینمایی را به پایان برده است و پس از گذراندن مراحل پیش‌تولید، این فیلم را جلوی دوربین خواهد برد. «خروج» بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است.

«نت‌های مسی یک رؤیا»، تنها نماینده ایران در لوکارنو ۲۰۱۹

● **گروه هنر:** مستند «نت‌های مسی یک رؤیا»، در اولین حضور بین‌المللی خود، در بخش رقابتی هفته منتقدان جشنواره لوکارنو به نمایش درمی‌آید. به گزارش روابط‌عمومی فیلم، «نت‌های مسی یک رؤیا» به کارگردانی رضا فرهنگند و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی، در اولین حضور بین‌المللی خود در سال ۲۰۱۹، در بخش رقابتی هفته منتقدان هفتادودومین جشنواره فیلم لوکارنو، به‌عنوان تنها نماینده سینمای ایران، به نمایش درمی‌آید. در تعریف این بخش در سایت جشنواره آمده است: «این بخش بر فیلم‌های



نوآورانه با محتواهای بزرگ تمرکز می‌کند. فیلم‌هایی پررنگ که دیدگاه‌های جدیدی را باز می‌کنند و در جهان بحث‌برانگیزند». رضا فرهنگند سال گذشته نیز با مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» در بخش رقابتی هفته منتقدان جشنواره لوکارنو حضور یافت که این اثر توجه مخاطبان جشنواره را به خود جلب کرد.«نت‌های مسی یک رؤیا» درباره ملوک، پسری ۱۰ساله است که با دوستانش سسیم‌های مسی خانه‌های ویران‌شده در جنگ را برای گذران زندگی جمع می‌کند و می‌فروشند؛ اما شوق رسیدن به آرزویی کودکانه، گرمای امید را در دل آنها زنده می‌کند و به خرابه‌ها و ویرانه‌ها رنگ و شادی می‌بخشد. پخش بین‌المللی این فیلم با «ArtHouse Cinematheque» با مدیریت مرجان علیزاده است.جشنواره فیلم لوکارنو پس از جشنواره‌های کن، ونیز و برلین، چهارمین جشنواره معتبر دنیا به شمار می‌رود که هفتادودومین دوره آن ۱۶ تا ۲۶ مرداد برگزار می‌شود.

افتتاح شبکه اینترنتی ناشنوایان

● **گروه هنر:** آیین افتتاحیه نخستین شبکه تلویزیونی اینترنتی ناشنوایان با عنوان «اشاره» در تلویزیون اینترنتی «ایو» عصر شنبه بیست‌ونهم تیرماه برپا می‌شود. دکتر محمدحسن حافظی‌پور، مدیرعامل سازمان تلکا (تلویزیون اینترنتی آیو) اعلام کرد: «پس از گذراندن پخش آزمایشی، نخستین شبکه تلویزیونی تخصصی ناشنوایان، اشاره، آماده افتتاح شده است». حافظی‌پور گفت: «مجموعه آیو تلاش دارد زمینه ارتباط هر چه بیشتر این عزیزان را فراهم آورد و از همه هنرمندان، خیرین و متخصصانی که آماد را در این راه خطیر باری کردند، سپاس‌گزارم». او گفت: «همه برنامه‌های «اشاره» که پنجمین شبکه اختصاصی تلویزیون اینترنتی آیو محسوب می‌شود، برای استفاده ناشنوایان و کم‌شنوایان متناسب‌سازی شده است. او افزود: «دسترسی به این شبکه از طریق سامانه www.aionet.ir با نرم‌افزارهای تلفن همراه آیو در بخش شبکه‌های اختصاصی برای استفاده علاقه‌مندان امکان‌پذیر است». آیین افتتاحیه تلویزیون اینترنتی اشاره، ساعات شش عصر شنبه بیست‌ونهم تیرماه در سالن مؤسسه آموزش عالی خاتم واقع در خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، خیابان حکیم اعظم آغاز به کار می‌کند.

● **گروه هنر:** جایزه بهترین فیلم کوتاه شانزدهمین جشنواره فیلم «زردآلوی طلایی» ارمنستان به مرضیه ریاحی رسید. جایزه زردآلوی طلایی بهترین فیلم کوتاه جشنواره به «کلاس رانندگی» ساخته مرضیه ریاحی به نمایندگی از ایران اهدا شد. «کلاس رانندگی» پیش از این‌ در چهل‌ونهمین جشنواره «تامپره» فنلاند، پنجاهونهمین جشنواره «کارتاگنا» کلمبیا، هجدهمین جشنواره «ترایاکا» آمریکا و سی‌وسومین جشنواره «ادمونتون» کانادا حضور داشته است. شانزدهمین جشنواره فیلم «زردآلوی طلایی» ارمنستان هفتم تا ۱۴ جولای در ایروان برگزار شد.